هو اللّه - ای ناطق بذكر الهی صبح قدم چون مشرق عالم…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۲۰

### هو اللّه

ای ناطق بذكر الهی صبح قدم چون مشرق عالم را روشن نمود خفّاشان پريشان شدند كه ايوای وای ما را مجال و ميدان نماند و دكه و بازار در‌شكست پس چاره بايد كرد چه كه محراب و منبر بر هم خورد يكی گفت اين صبح كاذبست ديگری گفت كوكب آفل برخی گفتند كه فجر شماليست نادر الوقوع و كوكبی لامع از پس ندارد و بعضی گفتند كه شعاع كوره ولكانيست كه وقت طغيان آتش فشانيست چون آفتاب انور دميد بزوايای ظنون و دخمهای اوهام گوناگون خزيدند كه اين شب است نه روز ظلمت است نه شعاع دلفروز كو آن خسرو كشور اثير كو آن پرتو جهانگير كو آن كوی آتشين كو آن روی نازنين

و چون آن نيّر تابان در وسط آسمان در نقطه معدّل النهار خيمه بر افراخت نوبت سلطنت بنواخت كه ای نا بينايان و ايخفّاشان پرتو اشراق است و تجلّی نيّر آفاق لمعه طور است و شعله پر نور چشم مشتاقان منوّر است و مشام عشّاقان معطّر نفحات جانپرور است و نسمات رياض حشر اكبر نفخه صور است و نفحه گلشن سرور فيض عنايت است و يوم بشارت دهشت قيامت است و وحشت خسران دنيا و آخرت خوف ”تضع كلّ ذات حمل حمله“ است و بيم ”تذهل كلّ مرضعة عمّا ارضعت“ و هراس ”و تری الناس سكاری و ما هم بسكاری ولكن عذاب اللّه شديد“ است و ظهور ”و نفخ فی الصور و ذلك رجع غير بعيد“ است سرور و حبور است و حشر و نشور اصحاب يمين در فلك امين است و اصحاب شمال در شرّ و وبال ”انّ الابرار لفی نعيم“ است ”و انّ الفجّار لفی جحيم“ شمع الهی روشن است و انجمن رحمانی گلشن.

خلاصه اين وقوعات عظيمه بيهوشانرا بيدار ننمود و مدهوشان را هشيار نكرد حال هنوز منتظر آن يومند و مستحقّ زجر و لوم ”ذر هم فی خوضهم يلعبون“ پس ای احبّای الهی شما كه صدر‌نشين اين بزميد و تيغ آتشين اين رزم طيور حدائق توحيديد و حقائق تجريد در ظلّ كلمه وحدانيّت جمع شويد و تحت لواء حضرت احديّت مجتمع الشمل قيام بر اظهار آثار باهره حشر اكبر نمائيد و در صدد تشهير انوار ظاهره اين نشر اعظم افتيد در الفت و محبّت بكوشيد و با‌هم بجوشيد باخلاق الهی ممتاز از ناس شويد و بروش و سلوك مالك الملوك سالك بين ناس در جمع شمل بكوشيد و در ترقّی در جميع مراتب بين جمع بيكديگر مهربان باشيد و با آشنا و بيگانه خير جويان نظر بقصور ننمائيد و از فيض ظهور محروم نگرديد در نظم امور بكوشيد و در ترقّی در جميع شئون بذل مجهود نمائيد ولی شاهد جميع اين مواهب در انجمن ياران پرده بر ‌اندازد چون عهد و پيمان محفوظ و مصون گردد و الّا حيّ علی الوبال حيّ علی الضلال حيّ علی خيبة الآمال حيّ علی اليأس و الاضمحلال حيّ علی عذاب شديد المحال و البهاء عليك ع ع

